

## جلجامش شخصية دينية:

### گیلگمش شخصیتی دینی :

ملحمة جلجامش مليئة بالرموز.

حماسه گیلگمش آکنده از نمادها و رازها است.

فيها رؤى مرمزة مع بيان معنى بعض رموزها.

در این حماسه رؤیاهایی رمزآلود به همراه توضیح برخی از رمزهایش نهفته است.

فيها كلام وأحداث مرمزة، فمثلاً: في خضم معركة دائرة بين جلجامش وأنكيدو نجد كل شيء يهدأ ومباشرة يقف أنكيدو قائلاً لجلجامش بكل احترام:

در آن، سخنان و رویدادهایی سمبلیک بیان شده است. مثلاً: در میانه نبردی که بین گیلگمش و انکیدو برپا شد، می بینیم که همه چیز آرام می شود، انکیدو می ایستد و در کمال احترام به گیلگمش می گوید:

«انك الرجل الاوحد،  
انت الذي حملتك امك،  
ولدتك امك ننسون.....  
ورفع أنليل رأسك عالیا على الناس،  
وقدر اليك الملوكية على البشر»<sup>(١)</sup>.

١. المصدر (طه باقر - ملحمة جلجامش).

«تو همان یگانه مردی،  
تویی که مادرت تو را آبستن شد،  
مادرت نانسون تو را به دنیا آورد، ...  
انلیل تو را برتر از مردم قرار داد،  
و پادشاهی بر مردمان را برایت مقدر ساخت» (۱).  
۱. مصدر : طه باقر، حماسه گیلگمش.

والسؤال هنا: إذا كان أنكيدو يعرف هذا منذ البداية فلماذا قاتله!!!

سؤالی در اینجا پیش می‌آید: اگر انکیدو این را از همان ابتدا می‌دانست،  
چرا با وی به نبرد برخاست؟!!

إذن، فمن غير المعقول أن يكون المقصود بتلك المعركة هو صراع بدني بين  
جلجامش وانكيدو. نعم، يمكن أن نقول إنه صراع عقائدي أدّى بأنكيدو أن  
يعترف في النهاية بأنّ جلجامش هو ابن نانسون وابن أنليل الذي أوصى أن  
يكون جلجامش ملكاً.

بنابراین معقول نیست که مقصود از این نبرد، جنگ جسمانی بین گیلگمش و  
انکیدو بوده باشد. آری می‌توانیم بگوییم این یک جنگ عقیدتی بود که انکیدو  
را در پایان واداشت اعتراف کند که گیلگمش همان پسر نانسونا و پسر انلیل  
است که وصیت نموده گیلگمش پادشاه گردد.

وَنُطِّقُ أَنْكِيدُو - بعد الصراع - بهذه الكلمات يبين بوضوح أن أنكيدو يقدر  
ننسون وأنليل، ولكنه لم يكن يقر أن جلجامش من سلالتهم، والآن هو يقر:

گفتار انکیدو - پس از جنگ - با این جملات به روشنی بیان می‌دارد که انکیدو، هم نانسونا و هم انلیل را مقدس می‌شمارد، ولی اقرار نمی‌کند گیلگمش از نوادگان آنها است و اینک معترف است که:

«انك الرجل الاوحد، انت الذي حملتك امك، ولدتك امك نانسون..... ورفع أنليل رأسك عالیا على الناس وقد ر اليك الملوکیة على البشر».

«تو همان یگانه مردی، تویی که مادرت تو را آبستن شد، مادرت نانسون تو را به دنیا آورد، ..... انلیل تو را برتر از مردم قرار داد، و پادشاهی بر مردمان را برایت مقدر ساخت».

ولهذا أيضاً لابد أن نحسب لرمزية النصوص حساباً ولا نعتبرها نصوصاً صريحة المقصود بها هو المعنى اللفظي تماماً، وهذه في الحقيقة تكاد تكون طبيعة للنصوص الدينية عموماً؛ لأنها نصوص آتية من عوالم أخرى وتحوي حكمة، والهدف منها بعض الأحيان ایصال رسالة إلى أهلها، وربما في كثير من الأحيان يُراد حمايتها من المنتحلين بهذه الرموز التي لا يعرفها سوى أصحابها، فالرؤى مثلاً هي نص ديني ولا شك، ومن منا يشك بأن الرؤى مرمزة في كثير من الأحيان؟!

بر این اساس ما باید این متون را سمبلیک دانسته و آنها را متونی صریح و مصداق مفهوم ظاهری کلمات به شمار نیاوریم. در حقیقت، این طبیعت عموم متون دینی است؛ چرا که این متن‌ها از عوالم دیگری می‌آیند و حاوی حکمت هستند، و هدف از آنها گاهی اوقات رساندن پیامی به اهله است که کسی جز صاحبش آن را نمی‌داند؛ و چه بسا در بسیاری اوقات مراد از این رمز و رازها که غیر اهله آن را نمی‌شناسند، محافظت نمودن آن پیام از دست کسانی باشد که بر مبنای این رازها به فریبکاری روی می‌آورند. بی‌تردید

رؤیایها، متونی دینی هستند. چه کسی از ما در اینکه معمولاً رؤیایها پر رمز و رازند شک دارد؟!

رحلة جلامش الأولى لقتل الشيطان خمبابا وإزالة الجور والظلم والشر من الأرض:

اولین سفر گیلگمش برای قتل شیطان هومبابا و ریشه‌کن کردن ظلم و ستم و شر از زمین:

«فخاطب جلامش انكيدو وقال له: يسكن في الغابة خمبابا الرهيب فلنقتله كلانا ونزيل الشر من الارض».

«گیلگمش، انکیدو را خطاب قرار داد و به او گفت: هومبابای دهشتناک در جنگل سکنی گزیده است، پس آن را بکشیم و شر را از روی زمین ریشه‌کن سازیم».

وقبل أن يقتل جلامش الشيطان يرى رؤى كثيرة تبشره بنجاح مهمته الأولى:

قبل از آنکه گیلگمش شیطان را بکشد، رؤیایهای بسیاری می‌دید که پیروزی وی در مأموریت اولش را به او بشارت می‌داد:

«...ورأيت في حلمي الثاني الجبل يسقط ايضا فصدمني ومسك قدمي ثم انبثق نور وهاج طغى لمعانه وسناه على هذه الارض فإنتشلي من تحت الجبل وسقاني الماء فسر قلبي»<sup>(۲)</sup>.

۲. المصدر (طه باقر - ملحمة جلامش).

«... و در خواب دوّم دیدم که کوه نیز سقوط کرد، به من برخورد و پایم را گرفت. سپس نوری متجلی شد و نور و درخشندگیش همهء زمین را دربرگرفت، و مرا از زیر کوه به در آورد و به من آب نوشاند و دلم را شادمان ساخت» (۲).

۲. مصدر : طه باقر، حماسهء گیلگمش.

كل ما يُأله له عند السومريين فهو إله، فالدنيا إله، والأنا إله، والجماعة إله،  
والصالحون المقدسون آلهة، لهذا فيمكننا أن نبدل كلمة (إله) بالأنبياء أو  
الصالحين أو الدنيا أو الأنا ونتدبر النص ونرى الحكمة التي يزخر بها النص:

از دید سومریان هر چیزی که قابل توجه باشد، “اله” محسوب می‌گردد. از دید آنها دنیا اله است، منیت اله است، جماعت اله است و افراد صالح و مقدس نیز اله هستند. بنابراین ما می‌توانیم کلمهء “اله” را به پیامبران و صالحان یا دنیا یا منیت تبدیل کنیم و با تأمل در متن، حکمت سرشار نهفته در آن را دریابیم:

«وفتح جلامش فاه وقال لانكيدو:  
يا صديقي، من الذي يستطيع ان يرقى اسباب السماء؟  
والالهة (الصالحون) وحدهم هم الذين يعيشون الى الابد مع شمش،  
أما ابناء البشر فأيامهم معدودات،  
وكل ما عملوا هواء عبث».

«و گیلگمش دهان گشود و به انکیدو گفت:  
دوست من! چه کسی می‌تواند به درجات آسمان اوج گیرد؟  
و تنها الهها (صالحان) کسانی هستند که با شَمَش تا ابد زندگی می‌کنند،  
اما نسل بشر روزگارش شمرده شده است،  
و هر آنچه انجام دادند بر باد هوا است».

وفي القرآن: ﴿ وَقَدِمْنَا إِلَىٰ مَا عَمِلُوا مِنْ عَمَلٍ فَجَعَلْنَاهُ هَبَاءً مَّنْثُورًا ﴾ (الفرقان: ٢٣).

در قرآن نیز آمده است: ﴿ و آمدیم بسوی آنچه کردند از کردار پس گردانیدیمش گردی پراکنده ﴾ (الفرقان: ٢٣).

وجلجامش الذي ثلثاه إله في النهاية أراد التخلص من ثلثه المظلم فذهب إلى من تخلص من الظلمة وخلد مع الآلهة وهو جده اوتو نبشتم - نوح، فرحلة جلجامش إلى نوح لم تكن رحلة لطلب خلود جسماني كما توهم بعض قرائها بل هي رحلة لطلب خلود روحي.

و گیلگمش که دو سوّمش خداگونه است، در نهایت خواست از یک سوّم تاریکیش خلاص شود، پس به سوی کسی که از تاریکی رها شده بود و با خدایان جاوید شده بود رفت و او جدش اوت ناپیشتیم (نوح) بود. بنابراین بر خلاف تصور برخی خوانندگان حماسه، سفر گیلگمش به سوی نوح، سفری برای کسب جاودانگی جسمانی نبود، بلکه سیرری با هدف کسب جاودانگی روحانی بوده است.

بعد كل ما تقدم، هل من الانصاف أن يعترض علينا شخص إن قلنا: إن ملحمة جلجامش دينية بجدارة وجلجامش شخصية دينية.

با توجه به مجموع مطالب پیش گفته شده، آیا اگر بگوییم حماسه گیلگمش کاملاً دینی و گیلگمش نیز شخصیتی دینی است، روا است کسی بر ما خرده بگیرد؟! \*

\*\*\*\*\*